

تئاتر خیابانی سری لانکا

نوشته ای. جی. گوناواردانا



در سری لانکا هم، مثل بسیاری دیگر از کشورهای جنوب شرقی آسیا، نمایشهای خیابانی در بسیاری از شهرها و روستاها برگزار می‌شود. این نمایشها را می‌توان بر حسب منشأ شیوه و محتواشان بر دو دسته سنتی و مدرن تقسیم کرد. هر چند که این تمایز همیشه به وضوح دیده نمی‌شود. بوداییگری طسی بیش از ۲۰۰۰ سال، به فرهنگ سری لانکا شکل داده است؛ ۷۰ درصد از مردم بودایی مذهبت و به زبان سنگالی صحبت می‌کنند و آداب آیینی آنها مبتنی بر مراسم و مناسبات مذهبی است. همانگونه که اکثریت تابعان که عمدتاً هندو هستند نیز به آداب خود پایبندند.

در سری لانکا، جشنهای مردمی بودایی و هندو غالباً با برگزاری مراسم راه پیمایی نیایشی که به سنگالی برهرا می‌نامند، همراه است. معتقدترین این جشنها دالادا برهرا عبارت است از یک راه پیمایی عظیم شبانه با فیلهای زیست شده و رقصندگان سنتی در تمام خیابانهای کیندی که برای بزرگداشت آثار مقدس دندان بودا برگزار می‌شود. هزاران بودایی و جهانگرد نیز در این نمایش شرکت می‌کنند. اما راه پیماییهای نیایشی دیگری که محقرترند، مرتبه‌در معابد بودایی، مقابر و نقاط دیگر مربوط به خدایان کوچک و دیگر خدایان محلی، برگزار می‌شود. این مراسم در عین حال که جنبه مذهبی دارند، دارای جنبه‌های غیرمذهبی - اگر نگویم کافرانه - نیز هستند. برهراها رویدادهای منقدس هستند که در عین حال فرصتهایی برای لذت چشم و گوش نیز فراهم می‌آورند.

در عصر ما یک برهراهای نمونه، مشتمل است بر فیلهای رقصندگان و پیروان (زن، مرد و کودک که همه سفیدپوشند) و گاهی شخصیتهایی مثل وادها یا آتمهای رقص که لباس بر آنها پوشانده‌اند. این شخصیتها بسا حضور خسود بسیارنگر نادهای عمده‌ای هستند که در وجودشان منجمد می‌شوند و یا تابلوهای زنده‌ای را تشکیل می‌دهند که بسادآور و قساق مشهور تاریخی یا مذهبی اند. برهراها پوزون که بسادآور نغزده بوداییگری در هند دوران امپراتوری اسوکاست، در یکی از صحنه‌های خود، دیدار پادشاه لانکا و فرستاده بودایی اسوکا را نشان می‌دهد.

وزاک عمده‌ترین واقعه تقویم بودایی است و در سالگرد آن نمایشهای خیابانی در سری لانکا به نقطه اوج می‌رسند. زمان وزاک که در زبان بالی (زبان مذهبی بودایی) «آبیزنگا» نامیده می‌شود، در وقتی است که قرص ماه در ماه مه تمام می‌شود و می‌گویند که تولد، پیداری و مرگ بودا در آن هنگام روی داده است.

جالب‌ترین جنبه جشن وزاک، صرف نظر از وجه صرفاً مذهبی آن، اهمیت است که در آن به روشنایی داده می‌شود. در واقع وزاک «جشنواره روشنایی» است. هیچ خانه بودایی، هر اندازه هم محقر باشد، بیافت نمی‌شود که در شب جشن نیند لانیا یا فانوس در آن روشن نباشد؛ یکی از نمایشهای ترین جنبه‌های این جشن بریا کردن تعداد بیشمار طاق نصرت یا تهراناتست که مزین به لامپهای برقی هستند، خاموش و

ای. جی. گوناواردانا
اعل سری لانکا سفیر استثنوی
مطالعات زیبایی‌شناسی در دانشگاه
کلوراد نماینده و موسسه آرتس ریویز
چاپ نیویورک، و مستند هنری و
فیلمنامه‌نویس صفحه‌نمده‌ای در کشور
بریتانیا است



نمایش نورانی و مطالبات فرهنگی

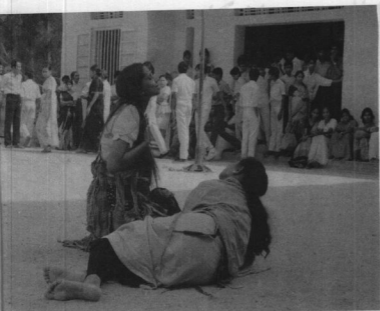
می‌کند که بایستی هم احساسات مذهبی مردم و هم علاقه‌شان به نمایشهای بزرگ را ارضا کند. وزاک همچنین فرصتی برای نمایشهای لال‌بازی و سبازی است که روی صحنه‌هایی برگزار می‌شوند که آنها را بالاتر از سطح زمین می‌سازند تا همه بتوانند آنچه را در صحنه می‌گذرد ببینند. نمایش رایگان است هر چند که از هرگونه کمک مردم استقبال می‌شود.

در وزاک هم مثل تهورانا داستانهای ژاناکا و افسانه‌های بودایی موضوع و زمینه اصلی آثار هستند. تاریخ به گونه‌ای ساده و مستقیم روایت می‌شود. گفت و شنودها ترکیبی از سبکهای محاوره‌ای و ادبی هستند که گهگاه با تراته و آواز قطع می‌شوند. آهنگها، چنانکه در مورد تهورانا، قبلاً ضبط شده‌اند و با بلندگر پخش می‌شوند و بازگردان فقط به تقلید

راه بی‌عایی نیایشی دالانا پرا ایزاد
گفتی (سوی لاناگا) برای بزرگداشت
بقای دندان بودا.

روشن می‌شوند. تغییر رنگ می‌دهند و تصویرهای دایره‌وار ایجاد می‌کنند و به این ترتیب یک سور بصری تاب پس‌پس می‌آورند که بسیار محبوب مردم است.

اما تهوراناها به همین جنبه نور آمیزی محدود نمی‌شوند. بلکه برهه‌هایی از سنت بودایی را به یاد می‌آورند که از ژاناکا یا دیگر گزارشهای زندگی بودا گرفته شده‌اند. یک تهورانی نمونه به کمک مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی شده و تقریباً به صورت کارتن. وقایع اصلی تاریخ را ارائه می‌دهد. اخیراً با ضبط صدای شخصیتها، صدا هم به نور افزوده شده و مجموعه‌ای روایتی همراه با موسیقی ارائه می‌شود. این مجموعه آدمی را به یاد یک سریال رادیویی می‌اندازد که با نقاشیهای ساده مصور شده باشد. تهورانا اصلاً یک پدیده شهری است و لذا همچون ترکیبی از ابزارهای بیانی بهره



حرکات و تکان دادن لپها اکتفا می‌کنند.

می‌گیرد، ارائه شده است. موضوعی که انتخاب می‌شود ممکن است از یک حادثه که به نازگی روی داده مایه بگیرد یا از واقعه‌ای قدیمی که صورت روز به آن داده می‌شود. نمونه‌ای از کارهای این گروه روایت نساذهای از تسنیل معروف «لیسهای تازه» امیرآوره است که در قالب وسایل ارتباط جمعی امروزی ارائه می‌شود. هات‌تهاتو و گاما غالب نمایشنامه‌هایش را خودش می‌نویسد، اما روی آنها عده زیادی به دقت کار می‌کنند، تا بدانجا که هر نمایشنامه تحول می‌یابد، تکمیل می‌شود و گاهی به مسیری پیش‌بینی نشده می‌افتد. مؤلف نیز البته «فضاهای آزاد»ی را پیش‌بینی می‌کند که به بازبهای پیش‌بینی نشده ناسازی از اوضاع اختصاص دارند. این گروه در پیاده کردن نمایشنامه‌هایی که در آنها به آزادی و همبستگی اهمیت داده می‌شود، به استادی رسیده است.

گروه هات‌تهاتو و گاما بارها تعداد افراد خود را تغییر داده است. جوانان یکی پس از دیگری می‌آیند. اما همواره گروهی از پیروان وفادار استاد باقی می‌مانند. این تاثیر هدف کسب درآمد ندارد، اگرچه گاهی حتی پس‌رای تسنیل هر بسته‌های ابتدایی، مثل تغذیه و حمل و نقل، مجبور به گردآوری آغاانه می‌شود.

هات‌تهاتو و گاما در میان بالاهای که بر سر گروهش آمده است دوست دارد این ماجرا را نقل کنند که چگونه بازیگرانش یک بار به کنفرانسی که سازمان خواروبار و کشاورزی (فاو) ترتیب داده بود، پورش بردند و بنا نمایش دادن یک نمایش طنزآلود شرکت کنندگان در آن را منظم به خوش گذرانی کردند. فاو زرنگی کرد و منت نمایش را در

صحنه‌ای از یک نمایش به اجرای گروه کنتر خیابانی و تاثیر بسزای سری لانکا.

تاثیرهای خیابانی در عصر ما

در کنار پراهم‌ها، تهورانها و تاثیر و زاک که مبتنی بر اعتقادات مردم و ارزشهای نیاکانند و به این ترتیب تداوم یک سنت را نشان می‌دهند، اخیراً در سری لانکا شاهد ظهور یک نوع تاثیر خیابانی مدرن نیز هستیم که با پذیرفتن نقطه نظر انتقادی نسبت به جامعه، سیاست، فرهنگ و مذهب، به طور خلاصه همه جنبه‌های زندگی معاصر، پیوند با گذشته را قطع می‌کند.

وجود این تاثیر تازه خیابانی سرهون کوششها و اراده گامینی کی. هات‌تهاتو و گاما است. این مرد که استاد ادبیات در دانشگاه است، معتقد است که رسالت اجتماعی تاثیر این است که پرده مسردم‌فریبی و دروغ را که بر بسیاری از جنبه‌های واقعیت معاصر کشیده شده، بردارد.

هفته سال پیش هات‌تهاتو و گاما گروه کنتر خیابانی و تاثیر باز را بنیاد گذاشت. که یک کارگاه هنر دراماتیک است که مخصوصاً به تربیت بازیگران برای مهارت یافتن در بدیهه‌سازی می‌پردازد. شاگردان او، که غالباً جوان، محترض و علاقه‌مند به پاره کردن زنجیر سنتها بسوند، خیلی زود نمایشهایی در فضای آزاد ترتیب دادند که در آنها اصول کلاسیک سالنهای دربسته و پشت صحنه را رها کردند. آنها بیرون از سالن و در حضور کسانی بازی کردند که نه تفریح داشتند و نه امکان رفتن به تئاتر.

یکی از برنامه‌های مشخص گروه، به صورت مجموعه‌ای از نمایشهای کوتاه که هر یک کمتر از یک ساعت و قست

راه‌نمایشی و نمایشات
تاثیرهای خیابانی

در صورتی که نمایش در فضای آزاد اجرا شود، نمایشگر باید در نظر داشته باشد که فضای نمایش را چگونه می‌تواند به کار گیرد. در صورتی که نمایش در فضای بسته اجرا شود، نمایشگر باید در نظر داشته باشد که چگونه می‌تواند به کار گیرد.

موزه‌های متفاوت با موزه‌های دیگر

دربارها، پوست ساکت‌نشد

شهر خلاص

تونی گاربه (۱۸۶۹ تا ۱۹۴۸) معمار و شهردار فرانسوی که لوگوربه او را یک پیشواز اصیل می‌شمارد در ۱۹۲۰ طرح یک مجموعه مسکونی ارزان قیمت را در یکی از محله‌های لیون، از شهرهای بزرگ فرانسه، رسمیت که در ۱۹۳۳ ساختمان آن به پایان رسید. این مجموعه اولین نمونه از این نوع بود که در اروپا احداث شد. به دلیل تقلای و همخوان بودنش، این شهرک صنعتی یکی از نخستین تجلیات شهرسازی قرن بیستم دانسته شده است. در این مجموعه که دارای ۱۶۰۰ آپارتمان و مرکب از ۱۴ بلوک است بیش از ۴۰۰۰ نفر سکونت دارند که اغلب دارای زمینه کاری و معمولاً مس هستند و خصوصیت عهدشان وفاداری به چهارچوب زندگی‌شان است.

دارالارز عمومی شهرکهای مسکونی ارزان قیمت از چهار سال پیش به این شهرک توجه خاص نشان می‌دهد. ساکنان شهرک به فکر افتادند تا این محل نه فقط به لحاظ حفظ خاطره افتخارشان نمونه نباشد بلکه به آن تصویر و تحرک تازه‌ای بدهد و سنتهای پیرامین و همسایرین آن را توسعه دهند. در چهارچوب نوسازی محله به درخواست مسأجران که یک کمیته تشکیل دادند یک موزه شهری به نام موزه تونی گاربه راه انداخته شد. این موزه که به ابتکار و با همکاری هنرمندان هنرهای تجسمی شهر خلاصیت ساخته شده است، دارای ۱۶ نمایش دیواری غاشی شده (پس از ۲۰۰ متر مربع دیوار نقاشی شده) است که در فضای آزاد و سه گسوه‌ای استکباری قسمتهایی انابلو و طرح از پروژه‌های شهرسازی فرانسویها را که در فاصله ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۷ سه وسیله گاربه کشیده شده است، به نمایش می‌گذارد. همچنین قرار است یک مسیر پیاده‌رو و یک مرکز اسناد درباره آثار گاربه و نیز یک آپارتمان به سبک سال ۱۹۳۰ در این مجموعه احداث گردد.

در ۱۹۹۱ بوئسکو، موزه شهری تونی گاربه را به عنوان «مجموعه فرهنگی نوساز فرهنگی» مورد ستایش قرار داد. این امر سه دلیل عمده داشت: غنای میراث معماری و هنری، اصالت مفهوم موزه پیره‌ای، و بسج اهالی برای «مراج گزاری» دوباره به محله خود.

پس از آن مؤسسان مختلفی که به طریقی با این طرح ارتباط داشتند، تصمیم گرفتند که بعد بین المللی به آن بدهند. به همین منظور شش هنرمند هنرهای تجسمی که از نقاط جغرافیایی - فرهنگی مختلف خواهند بود روی شش دیوار کنگره‌داری که هنوز نقاشی نشده اند آزادانه تابلوهای دیواری عظیمی نقاشی خواهند کرد که به طرجهای دوران پیشینه گوناگون برای ساختن «شهرک آرزویی» خلق خواهند داشت.

نقشه‌ها و اسنادی را روی دیوار، که هر کدام یک پیشینه می‌گردد است، روی یکی از دیوارهای موزه شهری تونی گاربه، این نقشه یکی از اصول عمده آثار گاربه را نشان می‌دهد: سازماندهی راههای رفت و آمد به صورت زوایای قائمه و منظم، و گروهی ساختمانهای مسکونی به صورت بلوکهای مستطیل شکل.

بولتن فصلی خود انتشار داد. گروه در جریان کنگره‌ای در مورد جلوگیری از سارداری پسانمایش یک نمایشنامه «مذخر صه» بار دیگر ظاهر شد و بر جنبه‌های انسانی تأکید نهاد که غالباً مورد فراموشی شوربهای جامعه‌شناسان قرار می‌گیرد.

به عقیده هات نهارتوگاما این نوع تئاتر که هنوز خیلی رواج نیافته کاملاً مناسب کنشوری است که هنوز از امتیازهای کشوریهای ثروتمند برخوردار نیست و غالب مردم آن فقیرتر از آنند که قادر به خرید بلیت تئاتر باشند. به هر حال بیلان فعالیت این گروه بسیار چشمگیر است. برای یک گروه بازیگر سیار که وسایلی لازم و حتی یک جای معین برای تمرین ندارد، همین امر که هفده سال دوام آورده، یک موفقیت است. اما سازبزرگان، علی‌رغم مشکلات مادی به «اصل مقدس» که هات نهارتوگاما وضع کرده، یعنی اینکه هرگز به خاطر پول بازی نکنند، وفادارند.

احساس تعلق به جامعه

آنچه اعضای این گروه به مردم می‌دهند اهدای قربانی با نمایش است؛ نمایشهای آنان، علی‌رغم نیت سیاسی آشکار و شرایط دشوار و ناگواری که در آن کار می‌کنند، همیشه شاد، آموزنده و عاری از جاه‌طلبی است. آنان حس هیبتگی را بیدار می‌کنند و فاصله میان مردم با صحنه را کاهش می‌دهند. سبک آنها از عناصر مختلف بهره می‌گیرد و قصه، آواز، تقلید یا دلکلی، لال بازی، گفت و شنود مستقیم و بدیهه‌گویی و حاضر جوابی تند و تیز بازیگر تقریباً همه قابلیت‌های هنری خود را به کار می‌گیرد تا بجا و محکم ضربیه بزند.

هات نهارتوگاما و گروهش با اعتراض به قواعد تئاتر کلاسیک معاصر، با فرهنگ سنتی سری لانکا پیوند برقرار کرده‌اند. گروههای قدیم، که برخی از آنها هنوز به فعالیت ادامه می‌دهند، گروههایی بودند که هنوز پول فاندشان نکرده بود. اجراهای آنها غالباً در فضای آزاد انجام می‌گرفت. از این لحاظ گروه کناره‌خیابانی و تئاتر باز به تئاتر سنتی شبیه است. آنچه کاملاً تفاوت دارد جهان‌نگری آن است.

آیا تئاتر بسیار یک پدیده زودگذر نیست؟ هات نهارتوگاما چنین نمی‌اندیشد، او از یک سو به کمک کسانی که حامیان او از تمامی نقاط سری لانکا به گروهش می‌کنند، و از دیگر سو به استقبال بسیار گرمی که از نمایشهایش می‌شود، استاد می‌کند. در عین حال بسیار چیزها به توانایی گروه او برای جلب و حفظ همکاران تازه نفس و نیز یساقفین هوادار در مناطق دیگر کشور، بستگی دارند. حرفه بازیگر بسیار آراش و سکون نمی‌پذیرد زیرا که مستلزم یک تعهد اجتماعی و نیز مهارت واقعی بازیگر است، و امروز جمع میان این دو دشوار است.

به هر حال آرزوی کمیته که این تجربه در سری لانکا دوام بیابد، زیرا که علاوه بر پیام و تأثیر روزافزونی که دارد، جمود و لایقیدی زیبانشاخی تئاتر کلاسیک را به گسوه‌های سازنده مورد سوزن فراموشی دهد.



مطالعات انسانی و مطالعات شهری
مجموع علوم انسانی

